

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیکار پامیر

۰۱.۱۶.۰۹

نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان

جلد دوم

به ادامه گذشته:

در دخمه های عمارت متروک سفارت شوروی در کابل:

اینک ، برخی از گزارشات و چشمدید هایی را در اینجا درج میکنیم که اشخاص و منابع مختلف آنرا اظهار داشته و قسماً در نشریه ها به چاپ رسیده اند :

طالبان به تعداد هزار ها نفر از اهالی " فرزه" ، " کلکان" ، "سرای خواجه" ، " استالف" ، " چهاریکار" ، " قره باغ" ، " کوهستان" ، " گلپهار" و غیره جا ها را جبراً از منازل شان بیرون رانده و کسانیکه از خانواده خویش دور افتاده اند و یا هیچ پناهگاهی ندارند ، در محوطه عمارت متروک سفارت شوروی سابق در کابل پناه برده اند که نمونه هایی از اظهارات آنها چنین است :

بابه صاحب گل ، پیرمرد در مانده و مریضی که در گوشه ای بدون فرش لمیده است چنین میگوید:

"از بابۀ قشقار هستم. از زن و نواسه های جوان خود خبر ندارم که کجا هستند، می ترسم که به حق شان بی ناموسی شده باشد . طالبان دشمن مردم هستند، خانه های ما را سوزاندند و زنان را چور کردند، نواسه هایم به نام مریم گل و پریگل با مادر کلان شان گم است و خودم از غم مریض هستم ، نمیدانم چه خواهد شد ."

شاه بی بی از کلکان :

"از قریه کلکان هستم . می دانم که در حدود سه هزار خانواده شمالی در اثر حمله طالبان آواره شده اند . جوانان کشته و پیر مرد ها در پلچرخی زندانی و زنان به جلال آباد و قندهار برده شده اند. از کمپ سر شاهی به تاریخ ۱۸ اسد این جا آورده شدیم و تعداد زیاد دیگر زنان جوان معلوم نیست که به کجا برده شده اند . در اثر گرمی هوا و کمبود مواد خوراکی و آب ، از ۱۳ الی ۱۷ اسد در حدود ۳۰

طفل از بين رفته و چند زن حامله سقط نموده اند. خودم از پسرانم و يك دخترم به نام شبو كه هجده سال دارد ، خبر ندارم "

بي بي گل از سرای خواجه :

با من عروس بيست روزه ام ميباشد ، ولي از پسر جوانم خبر ندارم . دو طفلم معلوم نيست كه زير خاك شده اند و يا جاي ديگري برده شده اند . از سه روز به اين طرف براي ما تنها سه قرص نان خشك مي دهند و هيچ چيز نداريم . طالبان پهره دار هميشه به ما فحش مي دهند كه از خاطر شما فارسي زبانان است كه ما در شمالي شكست مي خوريم ، بايد همه شما را بكشيم ."

نازبو از چهاريكار :

يك طالب كه اورا ملا صبور صدا ميكنند مرا به جرم اينكه درصحن بلاك ها چرا بدون چادري هستم ، چند قنடைق تفنگ زده كه شانه ام سخت درد ميكد . لباس ندارم ، از خانواده خود ده روز است كه جدا هستم . طفل من چند روز قبل فوت كرد كه در آخر محوطه سفارت دفن است ."

پشتون گل از كلكان :

به مجرد آوردن ما به اينجا ولادت نمودم . طفلم بعد از يك روز فوت كرد . خودم به علت بي غذايي و بي دوايي شديد مريض هستم و كسي ندارم كه به دادم برسد . " (قرار گزارش ، چون وضع اين زن وخيم بوده ، بنابران به قومندان طالبان احوال مي دهند ، ولي او ميگويد : ما شما را به خاطر تداوي اين جا نياورده ايم، بلكه بايد شما جان بدهيد تا از شر تان خلاص شويم، مثل پشك چوچه مي دهيد ...) فقير محمد از استالف :

بر خورد طالبان با ما بسيار جانورانه بود ، مرا با اين ريش سفيد سخت لت و كوب كرده اند كه مريض هستم. پسرانم معلوم نشد كه كجا شده اند . زنان ما را به زور به موتر انداخته به سوي نا معلومي برده اند كه تا فعلا از آنان احوال ندارم . . . بدون گناه قرباني شده ايم ."

فيروزه از سنجدره :

دوازده ساله است كه در نزديكي چشمش چره خورده و شديد زخمي و از درد و گرسنگي بي حال است . تمام فاميل خود را از دست داده و از شدت درد مي نالد . طالبان به او گفته اند كه اگر زياد ناله كشيدي تو را در سر ك رها مي كنيم كه گم شوي "

ريزه گل از قره باغ :

"پسرم كشته شد . شوهرم معلوم نيست كه كجاست . خودم كه مقاومت كردم به زور مرا بغل زده به موتر انداختند و بعد با چند زن ديگر ما را لت كردند . با لگد به كمر من زدند كه تا فعلا خونريزي شديد دارم و كدام وسيله براي تداوي ندارم ."

منابع مطلع در جریان جنگهای شمالی گفتند که علاوه از سر بازان پاکستانی ، برخی از جنرالان آن کشور نیز در سوق و رهبری جنگ طالبان علیه مخالفین نقش مهم داشتند که از آن جمله نام جنرال ("سعید ظفر" و "دگر وال ارشاد" بر سر زبانها بود .

اسمای بعضی از فرماندهان در جبهه جنگ ضد طالبان در شمالی (شامل جنبش ، حزب وحدت و شورای نظار) از اینقرار بود :

حاجی شیر علم

ملا تاج محمد

حاجی الماس

امان الله گذر

بسم الله خان

محمد مقیم

جان آغا

بصیر سالنگی

سید عالم

آغا جان سنجنی

جنرال فهیم

شاه پسند

صدیق

حبیب اوغان

عظیمی

گل محمد

سلام بای

جنرال مجید روزی

جنرال داوود عزیزی

عبدالرحمن خاخی

فقیر

عبدالچریک

علم خان

عصمت الله

پنچي
لعل
شير عرب